

الحمد لله  
البرحمين



# عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت نهم

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد  
در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط :

محمد فاطمی کیا

استاد راهنما:

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا ازغندی

۱۳۸۸/۱۲/۲

مطالعات منطقه‌ای  
شیراز

تابستان ۱۳۸۸

۱۳۱۵۶۲

تقدیم بہ

روح ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام

خمینی رحمہ اللہ علیہ و ارواح پاک شہیدان دفاع مقدس

## برگ تاییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت نهم

نام دانشجو: محمد فاطمی کیا

دوره کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۱۴۸۸، ۶، ۲۴ بانمره ۱۸، - و درجه عالی مورد

تایید اعضای کمیته پایان نامه متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

استاد راهنما

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

امضاء

استاد مشاور

دکتر علیرضا ازغندی

امضاء

استاد داور

دکتر محمدباقر حشمت زاده

امضاء



## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آذرماه ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ به انجام رسیده است. به غیر از کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خودم صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

معصومه فاطمی کیا  
شهریور ۱۳۸۸

امضاء

## سپاسگزاری

در فرایند تدوین این اثر، از یاری سروران و بزرگوارانی بهره برده‌ام که ذکر نام و یاد آنان فقط بنا به رسم سپاسگزاری است. حال آنکه هیچ کلامی را توانایی ادای فروتنی و احترام به این عزیزان نیست. از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی که مسئولیت راهنمایی این پژوهش را عهده‌دار بوده‌اند و با سعه صدر استادانه خود مرا در نگارش این اثر یاری نموده‌اند بی نهایت سپاسگزارم. از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علیرضا ازغندی که در جایگاه مشاور پژوهشی قرار داشته‌اند، بخاطر هدایت عالمانه و نظارت صبورانه‌شان، سپاسگزاری می‌کنم. در اینجا وظیفه خود می‌دانم از اساتید محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر محمدباقر حشمت‌زاده، جناب آقای دکتر محمود سریع‌القلم نیز که در طول دوره تحصیلی از مطالب و نکات ارزنده‌ای ایشان بهره‌مند بودم تشکر نمایم. همچنین از زحمات و یاری همسر مهربانم که طی مدت تحصیل و بویژه تدوین پایان‌نامه مرا یاری نموده است قدردانی نمایم. بی‌پشتوانه خرد و تجربه و بدون حمایت و پشتگرمی این یاران، بی‌گمان تلاش فردی بی‌نتیجه می‌ماند و راه به جایی نمی‌برد. در خاتمه به تکرار کلام عارفی بسنده می‌کنم که می‌گفت:

فکر می‌کنم که تاج بر سرم نهاده‌اند، حال آنکه دیگران فاتحه.

عنوان: عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت نهم

دانشجو: محمد فاطمی کیا

استاد راهنما: دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

دوره کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای

تاریخ ارائه: شهریور ماه ۱۳۸۸

#### چکیده:

این پژوهش در پی شناخت عوامل موثر بر سیاست خارجی دولت نهم و چگونگی تاثیر آنها بر سیاست خارجی این دولت می باشد. دولت نهم جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را بر پایه سیاست تهاجمی در برابر آمریکا و غرب، نگاه به شرق به معنی تلاش برای گسترش روابط با کشورهای روسیه، چین و هند و عضویت فعال در سازمان همکاری شانگهای و جنوب گرایي در چارچوب روابط با کشورهای جهان سوم قرار داد. با نگاهی به رویکردهای مختلف روابط بین الملل و بررسی شواهد موجود می توان مدعی شد که یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا، تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، نظام باوری رییس جمهور احمدی نژاد و نیز افزایش درآمدهای نفتی دولت نهم موجب اتخاذ این نوع سیاست خارجی از سوی این دولت شده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، یکجانبه گرایی، ژئوپلیتیک، نظام باوری، نگاه به شرق، جنوب گرایی

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

۲	طرح موضوع
۴	سوال اصلی
۴	سوالات فرعی
۴	فرضیه
۵	پیشینه پژوهش
۱۳	تعریف مفاهیم
۱۵	روش پژوهش
۱۵	ساماندهی پژوهش

### فصل دوم: عوامل موثر بر سیاست خارجی

۱۶	از منظر رویکردهای روابط بین‌الملل
۱۹	۱.۲. رویکردهای بالا به پایین
۱۹	۱.۱.۲. واقعگرایی
۲۱	۲.۱.۲. نوواقعگرایی
۲۴	۳.۱.۲. رویکرد ژئوپولیتیک
۲۷	۲.۲. رویکردهای پایین به بالا
۲۷	۱.۲.۲. رویکرد روانشناختی
۳۲	۲.۲.۲. لیبرالیسم



۳۶	۳.۲. رویکردهای میانه
۳۶	۱.۳.۲. واقعگرایی تهاجمی
۳۷	۲.۳.۲. واقعگرایی تدافعی
۴۰	نمودار نظریات سیاست خارجی بررسی شده

فصل سوم: عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران  
از دولت موقت تا پیش از دولت نهم

۴۲	ساختار نظام بین‌الملل
۴۸	تحولات ژئوپولیتیک منطقه از دهه ۹۰ به بعد
۵۱	نخبگان سیاسی حاکم
۵۵	درآمدهای نفتی

فصل چهارم: رفتار سیاست خارجی دولت نهم

۵۹	۱.۴. سیاست خارجی ضد هژمونی و تهاجمی
۶۴	۲.۴. نگاه به شرق
۶۹	۱.۲.۴. روابط با روسیه
۷۲	۲.۲.۴. روابط با چین
۷۵	۳.۲.۴. روابط با هند
۷۸	۴.۲.۴. دولت نهم و سازمان همکاری شانگهای
۸۰	۳.۴. جنوب‌گرایی
۷۹	۱.۳.۴. روابط با کشورهای آمریکای لاتین
۸۲	روابط با ونزوئلا
۸۵	روابط با نیکاراگوئه، بولیوی و اکوادور

۸۷	۲.۳.۴. روابط با کشورهای اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس
۹۲	۳.۳.۴. روابط با کشورهای آفریقایی
۹۴	فصل پنجم: عوامل موثر بر رفتار سیاست خارجی دولت نهم
۹۵	یکجانبه‌گرایی آمریکا
۱۰۲	تحولات ژئوپلیتیکی در مناطق پیرامونی
۱۰۹	نظام باوری احمدی نژاد (اصول‌گرایی عدالت محور)
۱۱۷	افزایش درآمدهای نفتی
۱۲۳	نتیجه‌گیری
۱۲۷	منابع فارسی
۱۳۱	منابع انگلیسی
۱۳۳	منابع اینترنتی

## فصل اول: کلیات پژوهش

## طرح موضوع

تحلیل سیاست خارجی یا رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، یکی از مباحث اصلی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. اندیشمندان این رشته‌ها، تلاش دارند علت رفتار و سیاست‌های متفاوت یا مشابه دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی درک کنند. سیاست خارجی کشورها نشان‌دهنده اهدافی است که دولت‌ها در عرصه خارجی در پی دستیابی به آنها هستند. اهداف و منافع ملی کشورها در فرایند تصمیم‌گیری و براساس ارزش‌ها و باورهای ملی و درک تصمیم‌گیرندگان از آنها تعیین و ابزارها و امکاناتی برای تامین آنها مدنظر قرار می‌گیرد. بررسی رفتار سیاست خارجی کشورها در جهت شناخت دقیق‌تر مقاصد و راهبردهای دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است تا تحلیل دقیق‌تری از رفتار و سیاست خارجی آنها به دست دهد.

هرچند اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که توسط اندیشه‌های بینانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره) و پس از ایشان مقام معظم رهبری و نیز اصول مندرج در قانون اساسی نهادینه شده، طی سه دهه اخیر ثابت بوده است اما رفتار دولت‌های متبوع آن در دوره‌های مختلف تحت تاثیر شرایط داخلی و خارجی متفاوت از جمله جابجایی نخبگان، جنگ تحمیلی، تحولات نظام بین‌الملل و تحولات منطقه‌ای بوده و در بعد سمت‌گیری‌ها و رفتار سیاست خارجی دچار تحولات و دگرگونی‌هایی گردیده است. دولت موقت به‌عنوان نخستین دولت جمهوری اسلامی، سیاست عدم تعهد ملت‌گرایانه و یا به قول خود بازرگان سیاست ادامه موازنه منفی مصدق را درپیش گرفت و به لغو معاهدات و پیمان‌های رژیم سابق با دو ابرقدرت آن زمان مبادرت کرد. این سیاست خارجی که دروه بنی‌صدر هم ادامه داشت از سوی آرمان‌گرایان انقلابی که خواستار تغییر در نظام بین‌الملل و صدور انقلاب بودند مورد چالش قرارگرفت و موجب تعارضاتی در سیاست خارجی کشور در این دوره شد.

پس از عزل بنی‌صدر سیاست خارجی ایران تحت تاثیر نگرش آرمان‌گرایان در سیاست خارجی و تحولاتی که در پی جنگ عراق بر ضد ایران و تقابل کشورهای غربی با جمهوری اسلامی حول محور حمایت و ارتباط با جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه و حضور کم‌رنگ در مجامع بین‌المللی برای دفاع

از حقوق کشور قرار گرفت. با پایان یافتن جنگ و تحولات بین‌المللی و تغییر ساختارهای قدرت در داخل و خارج مرزها، سیاست خارجی ایران تشنج‌زدایی و بسط روابط آشتی‌جویانه عمدتاً با کشورهای منطقه را در پیش گرفت.

از سال ۱۳۷۶ با روی کار آمدن دولت اصلاحات گفتمان و در نتیجه رفتار خارجی ایران بطور گسترده‌تری دگرگون شد. دولت وقت بر اساس مردم‌سالاری در داخل و صلح در خارج سیاست تشنج‌زدایی را به عرصه بین‌المللی گسترش داد و سیاست نزدیکی به اروپا (نگاه به غرب) و روابط صلح‌جویانه با کشورهای منطقه را در پیش گرفت که با استقبال کشورهای اروپایی و منطقه بویژه کشورهای منطقه خلیج فارس روبرو گردید و به بهبود تصویر جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس و نظام بین‌الملل و حضور پررنگ ایران در مجامع بین‌المللی و جهانی انجامید. هرچند موضوع پرونده هسته‌ای ایران بر سیاست خارجی این دولت سایه افکند.

پس از روی کار آمدن دولت نهم با شعار اصولگرایی عدالت‌محور در تیر ۱۳۸۴، شاهد تغییراتی در الگوی رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره این دولت هستیم. در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، دولت نهم رفتار خارجی خود را بر پایه سیاست تهاجمی و ضد هژمونی در برابر آمریکا و غرب، سیاست نگاه به شرق به معنی نزدیکی بیشتر به روسیه، چین و هند، جنوب‌گرایی بویژه روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی با دولت‌هایی از آمریکای لاتین، از جمله ونزوئلا، بولیوی و نیکاراگوئه که سیاست‌هایی مخالف غرب، بویژه در قبال ایالات متحده آمریکا دارند و تشکیل ائتلاف ضد امپریالیستی با آن دولت‌ها و نیز همکاری منطقه‌ای با کشورهای اسلامی قرارداد.

## سوال اصلی

عوامل موثر بر سیاست خارجی دولت نهم کدامند و چگونه بر رفتار سیاست خارجی این دولت تاثیر گذارده‌اند؟

## سوالات فرعی

۱. عوامل موثر بر سیاست خارجی کدامند؟
۲. عوامل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیش از روی کار آمدن دولت نهم کدامند؟
۳. چه تغییراتی در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت نهم رخ داده است؟

## فرضیه

هژمونی‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل، تحولات ژئوپولیتیک در منطقه خاورمیانه (اشغال افغانستان و عراق از سوی آمریکا، محاصره نظامی ایران، بیداری و خیزش شیعیان در منطقه)، شخصیت و نظام باوری رییس جمهور احمدی‌نژاد و اصولگرایان و افزایش درآمدهای نفتی دولت موجب سیاست خارجی ضد هژمونیک، تهاجمی و جنوب‌گرایانه (نگاه به شرق، پیوند با آمریکای لاتین، روابط با کشورهای اسلامی و همسایه) دولت نهم شده است.

## مفروضات

۱. ایالات متحده آمریکا بعد از فروپاسی بلوک شرق و شوروی و به خصوص بعد از حوادث یازده سپتامبر سیاست هژمونی‌گرایی خود را با شدت بیشتری دنبال کرده است،
۲. تغییرات ژئوپولیتیکی با رفتار سیاست خارجی مرتبط می‌باشد،
۳. در ایران شخصیت و نظام باوری نخبگان سیاسی و میزان درآمدهای نفتی در رفتار سیاست خارجی موثر است.

## پیشینه پژوهش

در مجموعه مقالاتی تحت عنوان «چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup>، سیدکاظم سجادیپور بدنبال ارائه چارچوبی پژوهشی برای فهم سیاست خارجی ایران است. در مقاله اول کتاب «مبانی فرهنگی اجتماعی سیاست خارجی» نویسنده با طرح حلقه‌های اتصال در سیاست خارجی بر این امر تاکید می‌کند که سیاست خارجی امری چند بعدی بوده و پیوندی عمیق با جامعه و فرهنگ آن دارد و ناگزیر سیاست خارجی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی برای روشن کردن این که ویژگی‌های اجتماعی چگونه با سیاست خارجی در ارتباط هستند به بررسی جنبه‌های اجتماعی سیاست خارجی ایران و چگونگی تاثیر آنها بر سیاست خارجی می‌پردازد.

در ادامه نویسنده ذیل مقاله «جنبه‌های اقتصادی سیاست خارجی» رابطه اقتصاد و سیاست خارجی را بررسی می‌کند و بر این باور است که سه مفهوم توازن بین استعدادهای بالقوه و امکانات بالفعل، تعادل بین نیازهای روزمره و ایفای نقش لازم و در نهایت تعامل و تقابل عوامل اقتصادی و سیاسی تا حدود زیادی می‌تواند ارتباط میان اقتصاد و سیاست خارجی ایران را توضیح دهد. در مقاله «ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر» نویسنده با بیان اینکه سیاست خارجی، حوزه‌ای از تعاملات سیاسی است که به بیشترین میزان از ژئوپولیتیک متاثر می‌شود، معتقد است سرنوشت سیاست خارجی ایران طی قرون گذشته با مناسبات ژئوپولیتیکی پیوند خورده است و در بین عناصر تعیین کننده سیاست خارجی، در نهایت این عنصر ژئوپولیتیک بوده که سرنوشت ایران را رقم زده و عوارض مثبت و منفی این عامل در سیاست خارجی ایران حضوری پررنگ دارد. و در پایان با ذکر روابط متصور در مطالعه تاثیر ژئوپولیتیک بر سیاست خارجی ایران و بررسی چالش‌های فکری و عملی در رابطه ژئوپولیتیک و سیاست خارجی توجه به ابعاد این عنصر را در سیاست خارجی امری واجب می‌داند که بی توجهی به آن هزینه‌های بزرگی را در بر خواهد داشت.

---

<sup>۱</sup>. سیدکاظم سجادیپور چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز چاپ و

روح. رضائی، در کتاب «چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup>، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در سه دوره بررسی می‌کند. در فصل دوم با نام «سیاست خارجی ایران، سمت‌گیری‌های متعارض» به تقابل سه گروه ملت‌گرایان، آرمان‌گرایان انقلابی و واقع‌گرایان انقلابی در عرصه سیاست خارجی و نتایج متعارض آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. رضائی با بیان اینکه دولت موقت سیاست عدم تعهد ملت‌گرایانه و یا به قول خود بازرگان سیاست ادامه موازنه منفی مصدق را در پیش گرفت و به لغو معاهدات و پیمان با دو ابرقدرت مبادرت کرد. اما این سیاست خارجی که در دروره بنی صدر هم ادامه داشت با چالش آرمان‌گرایان انقلابی روبرو بود که خواستار تغییر در نظام بین‌الملل و صدور انقلاب بودند و غلبه این طیف در سیاست خارجی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ موجب انزوای ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی گردید.

نویسنده در فصل دوم کتاب با نام «سیاست خارجی ایران: هم شمالی، هم جنوبی» سیاست خارجی ایران در دولت هاشمی رفسنجانی را در منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی - قفقاز مطالعه می‌کند. نویسنده معتقد است که تغییرات در ساختارهای قدرت در داخل و خارج و جنگ خلیج فارس و پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی آموزه‌ها و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بتدریج دگرگون ساخت از دید وی اهداف سیاست خارجی دولت در این دوره در منطقه جنوبی (خلیج فارس) تامین امنیت خلیج فارس، مهار عراق و آشتی‌جویی با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و در منطقه شمالی (آسیای مرکزی و قفقاز) اسقرار دولت‌های باثبات در جمهوری‌های تازه تاسیس این منطقه و پیوندهای دوجانبه با این کشورها بوده است.

فصل چهارم کتاب، درباره سیاست خارجی ایران در دوره اصلاحات می‌باشد. از دیدگاه نویسنده اندیشه صلح دموکراتیک خاتمی را می‌توان در باور و برداشت وی از سیاست خارجی مشاهده کرد و تصریح می‌کند نگرش اساسا صلح‌جویانه آقای خاتمی و پایبندی او به مردم‌سالاری گواه آن است که وی به اتخاذ نوعی سیاست خارجی که وجه مشخصه آن مفهوم صلح دموکراتیک ارشادی است،

<sup>۱</sup> روح. رضائی، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی،



خواهد کوشید و نماد این تحول را در سخنرانی خاتمی در افتتاحیه نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران که ایشان عناصر سیاست خارجی صلح دموکراتیک را شرح داد و سخنان وی خطاب به مردم جهان و مردم آمریکا در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷ می‌داند که سرآغاز تغییرات در رفتار سیاست خارجی ایران در دوره این دولت بود.

امیرمحمد حاجی‌یوسفی، در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای»<sup>۱</sup> بیان می‌کند که ایران از محدود کشورهای است که در چهار زیر سیستم<sup>۲</sup> منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شرق مدیترانه و آسیای جنوب شرقی قرار دارد و لذا دگرگونی‌های منطقه‌ای در هریک از این زیر سیستم‌ها ناگزیر بر امنیت ملی ایران موثر است. نویسنده با استفاده از نظریه نوواقعگرایی، به تحلیل علمی رفتار سیاست خارجی ایران پرداخته و مطالب کتاب را در سه بخش سازماندهی کرده است. در بخش اول که مربوط به مباحث تئوریک می‌باشد، تمهیدات نظری بحث در سه فصل ارائه شده است و چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی و رابطه نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی مطالعه علمی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌ها امری لازم می‌داند. نگارنده در بخش دوم کتاب در چهار فصل به بررسی تحولات چهار زیر سیستم منطقه‌ای ایران، ویژگی‌های آنها و سیاست‌های منطقه‌ای کشورهای درون منطقه و فرا منطقه‌ای می‌پردازد و با توجه به منابع منازعه و الگوهای منازعه و همکاری در هر کدام از این زیرسیستم‌های منطقه‌ای فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش آمده بر اثر تحولات ۱۹۹۱-۲۰۰۱ در این مناطق را برای جمهوری اسلامی روشن کند.

در بخش سوم تحت عنوان پیامدهای امنیتی تحولات منطقه‌ای برای ایران در دو فصل مباحث تنظیم گردیده است. در فصل اول تاثیر دگرگونی‌های زیر سیستم‌های منطقه‌ای ایران بر امنیت کشور بحث گردیده و در فصل دوم در قالب نتیجه‌گیری، به ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

---

<sup>۱</sup>. امیرمحمد حاجی‌یوسفی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴

<sup>۲</sup>. subsystem

پس از فروپاشی شوروی پرداخته شده است. نویسنده مهم‌ترین عامل برای بررسی سیاست خارجی را توجه به واقعیات داخلی و خارجی کشورها می‌داند و با استفاده از رویکرد نوواقعگرایی در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیشنهادهایی را برای تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط عادی با سایر کشورها ارائه می‌کند.

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، در مقاله «گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد»<sup>۱</sup> سعی دارد تا از منظری گفتمانی به توضیح سیاست خارجی دولت نهم بپردازد. نگارنده بیان می‌کند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کارآمدن دولت موقت و پس از آن بنی-صدر گفتمان ملی‌گرایی لیبرال بر سیاست خارجی ایران حاکم بود اما پس از استعفای دولت موقت و عزل بنی‌صدر، ابرگفتمان اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم شد هرچند که این ابرگفتمان خود در طول سه دهه اخیر دچار دگرگونی‌هایی شده و به پنج خرده گفتمان دیگر تقسیم شده است. گفتمان‌های آرمان‌گرایی و مصلحت‌گرایی در دوره جنگ، واقعگرایی توسعه‌محور در دوره سازندگی، صلح‌گرایی مردم‌سالار در دوره اصلاحات تا پیش از دولت نهم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم بوده‌اند.

اما پس از انتخابات نهم ریاست جمهوری و انتخاب احمدی‌نژاد گفتمان اصولگرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم گردید. وی معتقد است که عدالت مفهوم کانونی اصول‌گرایی است. و با بررسی عناصر و مفاهیم اصول‌گرایی تصریح می‌کند که از آنجا که عدالت عنصر محوری اصول‌گرایی عدالت‌محور می‌باشد. این گفتمان، نظام کنونی را ناعادلانه می‌داند و از این رو تغییر نظام ناعادلانه جهانی و تامین نظم مطلوب اسلامی در اولویت اهداف سیاست خارجی دولت نهم است. نگارنده راهبردهای و راهکارهای تغییر در نظام بین‌الملل در دو بعد تبیین و تخریب در عرصه سیاست خارجی دولت نهم را بررسی می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که این گفتمان در دولت نهم یک گسست گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیست و در واقع هژمونی نسبی اصول‌گرایی در سیاست خارجی دولت نهم بازگشت به همان گفتمان آرمان‌گرایی اوایل دهه ۱۳۶۰ است. و نیز تصریح می‌کند

<sup>۱</sup> سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد، دوفصلنامه دانش

سیاسی، دانشگاه امام صادق، سال سوم شماره ۵، تابستان ۱۳۸۶

که غلبه اصول‌گرایی عدالت‌محور در دولت نهم پیامدها و تحولات رفتاری ملموسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از قبیل اتخاذ راهبرد شالوده‌شکنانه در قبال نظام بین‌الملل، سیاست نگاه به شرق و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و اسلامی و فرامنطقه‌ای بویژه با آمریکای لاتین در جهت ایجاد ائتلاف ضد امپریالیسم داشته و ادامه می‌دهد که سیاست خارجی این دولت در بستر اصول‌گرایی، تهاجمی شده و به تقابل با غرب (به عنوان نماینده نظام ناعادلانه نظام کنونی) رسیده است که نمود این تقابل در جریان پرونده هسته‌ای ایران کاملاً مشهود است.

یکی از تازه‌ترین منابعی که در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تالیف شده و سعی دارد اصول حاکم و راهبردهای سیاست خارجی دولت نهم جمهوری اسلامی را تبیین کند کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد»<sup>۱</sup> نوشته حمید مولانا و منوچهر محمدی است. در فصل اول کتاب آمده است که اصل حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصل «نه شرقی - نه غربی» است که حضرت امام خمینی در همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی اعلام نمود و قانون اساسی مهم‌ترین منبع در تبیین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. مولفان کتاب با مطالعه اندیشه‌های بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در سیاست خارجی و همچنین اصول مرتبط با سیاست خارج در قانون اساسی جمهوری اسلامی نشان می‌دهند که دیدگاه رهبری در زمینه سیاست خارجی و اصول مندرج در قانون اساسی مربوط به سیاست خارجی در صدر منابع تاثیرگذار بر تداوم و تغییر رفتار سیاست خارجی می‌باشند.

فصل دوم با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی»، نویسندگان معتقدند که هرچند اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول ۲۹ سال گذشته ثابت بوده لیکن رفتار دولت‌های متبوع آن در دوره‌های مختلف تحت تاثیر شرایط داخلی، جنگ تحمیلی و تحولات نظام بین‌الملل متفاوت بوده و ذیل چهار عنوان سیاست خارجی دولت موقت، سیاست خارجی دوران جنگ، سیاست خارجی دوران سازندگی، سیاست خارجی دولت خاتمی به

۱. سیدحمید مولانا و منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷

بررسی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا پیش از روی کار آمدن دولت نهم می‌پردازند. فصل چهارم کتاب با عنوان اصول حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم، به تبیین مولفه‌ها و اصول حاکم بر سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد پرداخته است. تلاش برای تحول در نظام بین‌الملل (به دلیل ناعادلانه بودن نظام کنونی) و نهادهای مربوط به آن، توجه به ملت‌های جهان سوم در عرصه‌ی روابط بین‌الملل به دلیل اهمیت دیدگاه ملت‌ها و عدالت محوری به عنوان یک اصل بنیادی در روابط بین‌الملل از جمله اصول حاکم بر رفتار خارجی این دولت می‌باشند.

فصل پنجم کتاب درباره راهبردهای سیاست خارجی دولت نهم می‌باشد. مولفان مقابله با افسانه هولوکاست به عنوان زیربنای سلطه صهیونیسم جهانی بر غرب، محور اسرائیل به عنوان راه حل نهایی مساله فلسطین و صلح و ثبات در منطقه، تشکیل جبهه ضد امپریالیستی، اصل مهدویت در راستای برقراری صلح و عدالت در جهان، اتحاد با جهان اسلام با توجه به توانایی‌های بالقوه آن برای ایفای نقشی مهم در نظام بین‌الملل و سیاست هسته‌ای را از راهبردهای دولت نهم در عرصه سیاست خارجی نام عنوان می‌کنند.

از جمله منابع لاتین نوشته شده درباره سیاست خارجی دولت نهم جمهوری اسلامی ایران کتاب

**Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution** »

تالیف مشترکی از انوشیروان احتشامی و محجوب زویری می‌باشد که در سال ۲۰۰۷

میلادی منتشر شده است. نویسندگان در فصل پنجم کتاب با عنوان «**Iran's Regional Role**

**under the Neoconservatives: Challenges and Prospects**» نقش منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران در دولت نهم و جهت‌گیریهای جدید سیاست خارجی این دولت در مورد موضوعات

منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهند. به اعتقاد نویسندگان جدای از احمدی نژاد به عنوان رییس

جمهور، رویدادهای دیگری نیز در آغاز ۲۰۰۵، بر روابط ایران با سایر کشورهای منطقه موثر بوده‌اند که

در راس آنها تغییر نقشه سیاسی عراق پس از صدام حسین، نخستین انتخابات آزاد عراق در ژانویه

<sup>1</sup>. Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, *Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution*, London- New York, I.B.Tauris & Co Ltd, 2007